

حضرت آیت‌الله جنّتی «دام عزّه»

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم؛

در خصوص موضوعات مطروحه در دومین جلسه شورای محترم نگهبان، مورخ ۱۳۸۸/۰۱/۲۶ مستحضر می‌دارد نتایج بررسی حاصله راجع به عناوین ۱۰ گانه جهت ملاحظه تقدیم می‌گردد.

موضوع اول: طرح الزام دولت به تجدیدنظر در روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای

حامی تروریسم

۱- عنوان لایحه: درج واژه «تروریسم» با توجه به ترجمه و معادل‌سازی آن توسط «فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی» به معنای «وحشت‌افکنی» بنظر مغایر با اصل ۱۵ قانون اساسی است.

۲- از این حیث که مرجع تشخیص «کشورهای حامی تروریسم» بهمراه «معنای حقوقی و قانونی واژه تروریسم» مورد تعریف قانونگذار قرار نگرفته است. علیهذا ضمن وجود ابهام، واگذاری تعریف واژه بهمراه تشخیص و تعیین مصداق یا مصادیق کشورهای حامی تروریسم، به دولت از حیث تقنینی بودن، بنظر مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

۳- عبارت «... در جهت محدود کردن این روابط تجدیدنظر کند.» مبتنی بر این است که قبلاً توسط قانونگذار یا دولت، کشورهای حامی تروریسم، مصداقاً مشخص بوده، لکن بنا به جهات و ملاحظاتی دولت با غمض عین نمودن مبادرت به ایجاد روابط تجاری و اقتصادی با آنها نموده و هم‌اکنون مکلف به اعمال تجدیدنظر در آن روابط می‌باشد. حال آنکه چنین نیست. علیهذا، عبارت از این حیث ابهام دارد.

موضوع دوم: طرح اصلاح ماده واحده قانون برقراری حقوق وظیفه یا مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که به مناطق جنگی مراجعت نموده و به علت برخورد با مواد منفجره معلول یا فوت می‌شوند مصوب ۱۳۷۲

۱- بند(الف) ماده واحده: ضرورت داشت بعد از حذف واژه‌های «فساد اخلاقی» و «سهل‌انگاری»، عبارت مجدداً بازنویسی می‌گردید. جمله باقیمانده بعد از حذف واژه‌ها عبارت خواهد بود از: «در صورتی که ثابت شود افراد موضوع این قانون به یا ضدانقلاب مشهور بوده یا بر اثر خود یا بازماندگانش...» نقص ادبی عبارت، مشهود است.

۲- صدر تبصره(۴): آنچه در قانون قبلی بوده عبارت بود از: «مرجع تشخیص فوت... شهرت به فساد یا ضدانقلاب، عمد یا...» آنچه که در مصوبه اخیر مورد تأکید قرار گرفته عبارت است از: «مرجع تشخیص ضدانقلاب، عمد...» بدیهی است شهرت به ضدانقلاب داشتن امری است متفاوت با ضدانقلاب بودن. تشخیص ضدانقلاب مستلزم وجود قانون است و قضاوت. بنابراین اصلاحیه به عمل آمده بنظر مغایر با اصل ۳۶ و واگذاری تشخیص آن به کمیسیون از حیث تقنینی بودن مغایر با اصل ۸۵ و اصول مربوط به صلاحیت قوه قضائیه و محاکم در رسیدگی به موضوع می‌باشد.

۳- سطر(۲) تبصره(۴) اصلاحی: توسعه قلمرو تشکیل کمیسیون‌ها از سطح استان‌ها به شهرستان‌ها با توجه به کاهش روز به روز پرونده‌ها، از یکطرف، همچنین تحمیل بار مالی به دولت از حیث توسعه تشکیلات سازمانی و پرسنلی در سطح شهرت‌ها، و عدم پیش‌بینی نحوه تأمین آن، بنظر مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

نکته: به موجب «آیین اجرایی قانون برقراری حقوق وظیفه یا مستمری بازماندگان آن دسته از مهاجران و کسانی که...» مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۴، کمیسیون‌های مربوطه صرفاً در مرکز هر استان تشکیل می‌گردید.

موضوع سوم: طرح نظام جامع دامپرووری کشور

- صدر ماده (۸): با توجه به طرح بودن مصوبه، از این حیث که انجام کارشناسی‌ها، صدور پروانه‌ها و... متضمّن بار مالی است، تحمیل هزینه‌های مربوط بدون مشخص شدن نحوه جبران آن، بنظر مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

موضوع چهارم: طرح زکات

۱- ماده (۱): ضرورت دارد هویت سازمانی «شورای مرکزی زکات» از حیث وزارتخانه بودن، مؤسسه دولتی، مؤسسه عمومی غیردولتی، شرکت یا... با توجه به ترکیب اعضاء و اموال و دارائی آن مشخص گردد.

- با توجه به طرح بودن عنوان مصوبه، «شورای مرکزی زکات» از حیث ضرورت راه‌اندازی تشکیلات سازمان، نیروی انسانی و...، متضمّن بار مالی و بنظر مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

۲- تبصره ذیل ماده (۱): عبارت «... تا پس از تصویب شورا در بودجه سالیانه آن نهاد... اعمال گردد.» چنانچه با قطع نظر از تشریفات مندرج در اصل ۵۲ قانون اساسی باشد بنظر مغایر با اصل مزبور است.

۳- ماده (۳): با عنایت به اینکه زکات از جمله امور حاکمیتی و از حقوق و اختیارات مقام ولایت فقیه است، احتساب نظر ولی فقیه به عنوان یکی از نظرات در کنار سایر فقهاء، با توجه به وجود اختلاف نظرها و بویژه شرعی بودن مسأله نیازمند بررسی فقهاء عظام شورا می‌باشد.

۴- ماده (۴): تکلیف دولت به اختصاص ۱۰ درصد، از حیث متضمّن بار مالی بودن، بنظر مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی است.

۵- ماده (۶) سطر (۷): عبارت «... و روستاهای تابع، شورای بخش است» از حیث نگارش به «و روستاها، تابع شورای بخش است» یا به «و روستاهای تابع، با شورای بخش است» اصلاح و تغییر یابد.

موضوع پنجم: لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین جمهوری اسلامی ایران و اریتره

با توجه به مفاد تبصره ذیل ماده واحده، و با عنایت به عمل متقابل دو کشور در عناوین مطروحه در لایحه، بنظر مندرجات لایحه، مغایرتی با اصول قانون اساسی ندارد.

موضوع ششم: لایحه عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مرکز آموزش و تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و آماری کشورهای اسلامی

۱- ماده (۲۷): از حیث دسترس نبودن «توافقنامه دفتر مرکزی» امکانی برای اظهارنظر فراهم نمی‌باشد.

۲- ماده (۲۸) اساسنامه: از این حیث که اقدام سازمان کنفرانس اسلامی مبنی بر اصلاح اساسنامه با قطع نظر از تشریفات مندرج در اصل ۷۷ قانون اساسی، مورد پذیرش قرار گرفته، بنظر مغایر با اصل مزبور می‌باشد.

موضوع هفتم: لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک مردمی الجزایر

۱- بند ۳ ماده (۲۵): عبارت «... یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجراء این موافقتنامه را با توافق دو جانبه فیصله دهند...» چنانچه مراد از تفسیر، تفسیر قانونی مفاد موافقتنامه باشد، بنظر، مغایر با اصل ۷۳ قانون اساسی خواهد بود.

شماره: ۳۹۱۸

تاریخ: ۱۳۸۸/۰۱/۲۵

پیوست: ندارد

۲- ماده (۲۷): عبارات: «قواعد عمومی حقوق بین الملل» و «مقررات موافقتنامه‌های خاص» چون از حیث اطلاق، متضمن تنفیذ تمامی قواعد و مقررات فوق خواهد بود، بنظر مغایر با اصل ۷۷ قانون اساسی خواهد بود.

موضوع هشتم: اساسنامه سازمان ملی زمین مسکن

- بند (۶) ماده (۱۴) اساسنامه از حیث عدم تصریح به رعایت تشریفات قانونی، بنظر مغایر با اصل ۱۳۹ قانون اساسی است.

موضوع نهم: اساسنامه بانک توسعه تعاون

۱- واژه‌های «تشکل‌های بالاتر» و «وجوه دیداری» مندرج در بندهای ۲۱ و ۲۳ ماده (۷) از حیث تعریف مواجهه با ابهام است.

۲- ماده (۱۱): عبارت «... یا تقاضای سایر اعضای مجمع عمومی...» از حیث عدد آیا شامل یک یا چند نفر از اعضاء می‌باشد، نامعین و مواجهه با ابهام است.

۳- ذیل بند (۲) ماده (۱۲) و ذیل ماده (۲۵): تخصیص یا صرف سهم دولت به بخش تعاون، از حیث عدم تصریح بر رعایت تشریفات مندرج در اصل ۵۳ قانون اساسی، بنظر مغایر با اصل مزبور و از این حیث که موضوع نیازمند قانون است، تعیین تکلیف راجع به موضوع توسط دولت بنظر مغایر با اصل ۸۵ قانون اساسی است.

۴- ذیل بند (۱۰) ماده (۱۲): استناد به ماده (۲۴۱) قانون تجارت، ناظر بر ماده (۱۳۴) همین قانون با عنایت به تاریخ تصویب آن در مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ و نظر به اصل ۴ قانون اساسی، از حیث شرعی، نیازمند ملاحظه فقهاء عظام شورا می‌باشد.

۵- بند (۵) ماده (۱۵): واژه «استیجاره» نیازمند اصلاح به یکی از دو کلمه ذیل است:

استیجار یا استجاره

۶- تبصره (۲) ماده (۱۷): با توجه به فرد بودن تعداد اعضای مجمع عمومی (ماده ۹ اساسنامه)

چگونگی تحقق سه چهارم اعضا، مواجهه با ابهام است.

۷- بند (۶) ماده (۱۸): وظیفه محوله به هیأت مدیره، از حیث تداخل در وظایف، بنظر تعارض با

همین وظایف، مندرج در بند (۸) ماده (۱۲) اساسنامه است که به مجمع عمومی واگذار گردیده است.

۸- ماده (۲۱): با توجه به تماماً دولتی بودن بانک، کارکنان آن اعم از اعضای هیأت مدیره و... از

کارکنان دولت تلقی می گردند، علیهذا امکان چند شغله شدن آنان با تجویز رئیس مجمع عمومی، بنظر

مغایر با اصل ۱۴۱ قانون اساسی خواهد بود.

۹- بند (۲) ماده (۲۳): عبارت «... هیأت مدیره موظف است تسهیلات لازم را در این خصوص

فراهم نماید.» چون متضمن تکلیف بر اجابت درخواست نمی باشد، از حیث فقدان ضمانت اجرایی

بنظر مغایر با اهداف مورد نظر در صدر عبارت ناظر بر انجام وظایف قانونی بازرس می باشد. / N0068

قربانعلی مهری

قائم مقام مرکز تحقیقات

رونوشت:

- اعضاء معزز فقهاء و حقوقدانان شورای محترم نگهبان، جهت استحضار
- جناب آقای دکتر کدخدایی، معاون محترم اجرایی و امور انتخابات، جهت استحضار
- جناب آقای توسلی زاده، مشاور محترم دبیر شورای نگهبان، جهت استحضار